

حق‌النظاره آب و حقوق کشاورزان

حسین زراعتکار، کارشناس آب زیرزمینی

حق‌النظاره اصطلاحی است که سابقه آن به سال ۱۳۷۱ برمی‌گردد. مطابق بند (ب) ماده ۳۳ قانون توزیع عادلانه آبِ سال ۱۳۶۱، در مواردی که استحصال آب به‌وسیله دولت صورت نمی‌پذیرد، دولت می‌تواند به ازای نظارت و خدماتی که انجام می‌دهد، با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی هر منطقه، در صورت لزوم، عوارضی را تعیین و از مصرف کننده وصول نماید. به استناد ماده مذکور در سال ۱۳۷۱، مجلس شورای اسلامی موضوع حق‌النظاره را در قانون بودجه مطرح و با شرایط خاصی به تصویب رسانید. این قانون تقریباً به‌مدت ۱۲ سال پایدار بود ، تا اینکه در سال ۱۳۸۳ به پیشنهاد عده‌ای از نمایندگان مجلس، علی‌رغم مخالفت کارشناسان وزارت نیرو، جز در موارد محدودی گرفتن حق‌النظاره ممنوع اعلام گردید. مجدداً پس از گذشت ۱۶ سال، در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ موضوع اخذ حق‌النظاره از چاه‌های کشاورزی مطرح شد و به تصویب مجلس رسید. مطابق بند (ه) تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۰، مالکان چاه‌های کشاورزی مجاز موظف می‌باشند که به ازای برداشت هر مترمکعب آب از آبخوان‌ها، حداکثر معادل ۲۰۰ ریال متناسب با کشت غالب منطقه و میزان درآمد کشاورزان، مطابق دستورالعمل مشترک وزرای نیرو و جهاد کشاورزی پرداخت نمایند. مبالغ به‌دست آمده، ۷۰ درصد جهت پرداخت خسارت نکشت به کشاورزان همان منطقه و برای تحقق اهداف برنامه‌های تعادل‌بخشی و بهبود بهره‌برداری آب و انجام مطالعه در دشت‌هایی که با نشست زمین مواجهند در اختیار سازمان مدیریت منابع آب قرار می‌گیرد؛ ۱۵ درصد به سازمان جنگل‌ها و مراتع جهت حفظ و احیا آبخیزداری تعلق می‌گیرد و ۱۵ درصد از کل مبلغ در اختیار وزارت جهاد کشاورزی برای اجرای طرح‌های افزایش بهره‌وری آب خواهدبود.

قابل ذکر است که اخذ حق‌النظاره از همان ابتدا با نظرات موافق و مخالف متعددی روبه‌رو بوده‌است. نوع مخالفت‌ها و موافقت‌ها نیز متفاوت بوده‌است؛ مثلاً تعدادی از مخالفان معتقدند که به استناد ماده ۳۳ قانون توزیع عادلانه آب، نمی‌توان حق‌النظاره گرفت و یا تعدادی دیگر بر این باورند که گرفتن حق‌النظاره هزینه مضاعفی به مالکان چاه‌ها وارد کرده و باعث تضعیف بخش کشاورزی که پایه و رکن استقلال کشور است، می‌شود. در مقابل، موافقین نیز عمدتاً اعتقاد دارند که اخذ حق‌النظاره باعث می‌شود که مصرف‌کنندگان به ارزش اقتصادی آب اهمیت بیشتری دهند و از طرفی دولت نیز حق دارد در مقابل خدماتی که ارائه می‌کند، هزینه دریافت نماید.

اما خارج از دیدگاه موافقین و مخالفین، واقعیت این‌است‌که مالکان چاه‌ها نسبت به پرداخت حق‌النظاره دیدگاه مثبتی ندارند و آن را هزینه تحمیلی بر خود می‌دانند. در این نوشتار سعی شده تا حدودی به ریشه‌های عدم رغبت کشاورزان و راه حل‌های ممکن این مسئله اشاره کرد.

ذکر یک مثال می‌تواند به روشن شدن موضوع کمک کند. همچنان‌که قبلاً عنوان شد، مطابق بند (ه) تبصره ۸، میزان پرداخت حق‌النظاره برای چاه‌های کشاورزی مجاز، برای هر متر مکعب، حداکثر ۲۰۰ ریال است. در دشت رفسنجان که معمولاً حداکثر این ضریب اعمال می‌گردد، میزان مجوزهای صادره در بخش کشاورزی حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب بوده‌است. البته با تعدیل‌هایی که روی مجوزها صورت گرفته و یا به‌تدریج صورت می‌گیرد، این مقدار کاهش یافته و قرار است در صورتی که کاهش پروانه‌ها مطابق با آب قابل برنامه‌ریزی انجام گردد، مقدار برداشت به حدود ۳۰۰ میلیون



مترمکعب در سال برسد. البته تا رسیدن به مقدار فوق هنوز راه درازی در پیش است. اما فعلاً فرض را بر این می‌گذاریم که حق‌النظاره از مقدار ۴۰۰ میلیون مترمکعب اخذ گردد. بنابراین، میزان درآمد حاصله حدود ۸۰ میلیارد ریال در طول سال می‌شود. علاوه بر چاه‌های مجاز، تعدادی چاه غیرمجاز نیز در این دشت وجوددارد که میزان درآمد حاصل از این چاه‌ها نیز به حساب نیامده‌است. باتوجه به تعداد چاه‌های دشت رفسنجان، مالکین باید به‌طور متوسط حدود ۶۰ میلیون ریال بابت حق‌النظاره هر چاه بپردازند. (این رقم برای چاه‌ها با توجه به پروانه بهره‌برداری و یا میزان بهره‌برداری آنها متفاوت است، ولی در اینجا متوسط کلی در نظر گرفته شده‌است)

واقعیت این‌است‌که پرداخت ۶۰ میلیون ریال از طرف مالکان به شرکت‌های آب منطقه‌ای، در مقابل هزینه‌های کلی چاه از جمله کارگر، کود و سم رقم ناچیزی است، ولی مشکل این است که از نظر ایشان وزارت نیرو کاری برای آنان انجام نمی‌دهد که استحقاق دریافت وجهی را داشته‌باشد؛ زیرا در طول ۵۰ سال گذشته هر روز وضعیت منابع آب بحرانی‌تر شده و آینده آنان به‌شدت در معرض خطر قرار گرفته‌است. این بدبینی موضوعی نیست که بتوان آن‌را کتمان کرد.

پس راه حل چیست؟!

قبل از هر چیز باید این نکته را یاد آور شد که اگر دولت بخواهد کاری اساسی در مورد منابع آب زیرزمینی انجام دهد، بدون اتکا به کمک‌های مالی کشاورزان از عهده آن بر نمی‌آید؛ زیرا مشکلات بزرگتر از آن هستند که با امکانات دولتی حل آنها امکان پذیر باشد. اما از طرفی به کشاورزان نیز باید حق داد که بدبین و نگران باشند، زیرا گذشته جلوی چشم آنان است. با اطمینان می‌توان گفت که اگر مالکان احساس کنند هزینه‌ای که می‌پردازند، به‌طور واقعی و ملموس در وضعیت آنان اثر می‌گذارد، نه تنها این مبلغ بلکه چندین برابر آن را حاضرند بپردازند تا نسبت به آینده امیدوار گردند.

برای غلبه بر این نگرانی و عدم اعتماد ایشان، تنها یک راه حل وجود دارد و آن پاسخ‌گویی دولت در مورد چگونگی هزینه کرد پول‌هایی است که از آنان دریافت می‌کند. متأسفانه، اکثر تصمیمات بدون در نظر گرفتن نظرات مصرف‌کنندگان که بیش از همه درگیر مشکلات منابع آب هستند، گرفته می‌شوند. به‌عنوان مثال، در همین قانون بودجه سال ۱۴۰۰، مشخص نیست بر اساس چه محاسباتی مقرر گردیده که ۷۰ درصد درآمد حاصله به شرکت مدیریت منابع آب، ۱۵ درصد به سازمان جنگل‌ها و مراتع و ۱۵ درصد به جهاد کشاورزی اختصاص یابد! مگر شرایط همه دشت‌های کشور یکسان هستند؟! مثلاً چه بسا مناطقی باشند که اساساً امکان عملیات آبخیزداری نباشد و یا اگر باشد اثر چندانی نداشته‌باشد و یا بر عکس بیشترین تأثیر را همین عملیات داشته‌باشد. با وجود این اما و اگرها، حال که قرار است با این الگو حق النظاره دریافت گردد، اقلاً این حق به مالکان داده شود تا در جریان چگونگی فعالیت‌ها قرارگیرند. در شرایط فعلی که دست مصرف‌کنندگان از تصمیم‌گیری‌های کلی کوتاه است، بهترین کار این‌است‌که **اولاً**: شرکت مدیریت منابع آب، سازمان جنگل‌ها و مراتع و وزارت جهاد کشاورزی، کلیه عملیاتی که قرار است از طریق درآمدهای حاصل از حق‌النظاره انجام دهند را پس از مشورت با تشکل‌های کشاورزان و از طریق عقد قرارداد با پیمانکاران و مشاورین ذیصلاح انجام دهند و **ثانیاً**: مالکان چاه‌ها این حق را داشته‌باشند که در جریان عملیات از ابتدا تا پایان قرارگیرند.

با اطمینان می‌توان گفت که اگر این کار با شفافیت کامل صورت گیرد و کشاورزان آثار مثبت این عملیات را ببینند، با اشتیاق کامل نه تنها حاضرند میزان حق‌النظاره فعلی را، بلکه حتی بیشتر از آن را نیز بپردازند. مزیت دیگر این است که سازمان‌های دولتی از جمله وزارت نیرو و جهاد کشاورزی از این اتهام که کار اساسی انجام نمی‌دهند، مبرا می‌گردند. از همه مهم‌تر روابط بین همه دست اندرکاران عرصه آب ترمیم می‌شود و شرایط برای همکاری‌های بیشتر فراهم می‌گردد.